

میزان درک ایرانی بودن آثار معماران معاصر ایران، توسط مخاطبان عادی در یک آزمون تصویری-مشارکتی

سجاد دامیار^{۱*}، زینب دامیار^۲

۱. عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور ایلام، (s_damyar@ut.ac.ir)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، (zainabdamyar@yahoo.com)

چکیده

در این مقاله فهم مردم عادی از اصطلاح «معماری ایرانی معاصر» بررسی شده است. به این منظور، ابتدا تعاریف و مشخصه‌هایی که توسط نظریه‌پردازان معاصر ایران برای معماری ایرانی توصیف شده است، بصورت کلی بررسی شده است و بواسطه روش تحقیق استدلال منطقی، با استفاده از مؤلفه‌های بنیادین تعاریف، یک دسته‌بندی درون‌ساختاری از آن تعاریف بعمل آمده است تا موضع موضوع این تحقیق مشخص گردد. سپس با تمرکز بر چهار جریان فکری دسته‌بندی شده توسط حبیبی (۱۳۸۵) در کتاب "شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر": (اصول‌گرایان، سنت‌گرایان، نوگرا-بوم‌گرایان و حالت‌گرایان)، میزان فهم مردم از این تمایزها و اعتبار عام آن، به کمک آزمون تصویری و روش افتراق معنایی، مورد سنجش قرار گرفته است. برای دستیابی به این هدف، اصول مطرح شده توسط پیرنیا، به عنوان مؤلفه‌های معنایی اصلی برای شناخت معماری ایرانی، در نظر گرفته شده است و پس از آن دو تصویر از معماری مربوط به هر یک از دسته‌های چهارگانه حبیبی و یک تصویر از معماری سنتی ایرانی انتخاب شده است. این تصاویر در یک پژوهش میدانی و براساس تکنیک افتراق معنایی با استفاده از مؤلفه‌های معنایی پنجگانه (اصول معماری ایرانی: مردم‌واری، پرهیز از بیهودگی، نیارش، خودبسندگی، درون‌گرایی)، به دو دسته از مخاطبان برای ارزیابی، عرضه شده است: مخاطبان عادی (عامه مردم) و معماران حرفه‌ای. هدف اول آن بوده است که معلوم شود، کدام یک از دسته‌های چهارگانه مذکور به اصول معماری ایرانی نزدیک‌تر است (ایرانی‌تر محسوب می‌شود). همچنین معنادار بودن تفاوت نظر دو دسته مخاطب (معمار حرفه‌ای و مخاطب عادی) از لحاظ آماری معلوم گردد و بواسطه آن، اعتبار تفکیک چهارگانه سبک‌ها از منظر تمایز نوع انتقال «ایرانی بودن» به مخاطب، مشخص شود.

کلمات کلیدی: معماری ایرانی، جریان‌های فکری، مخاطبان عادی، معماران حرفه‌ای، افتراق معنایی